



Investigating the Challenges of Educating Orphans from the Perspective of Teachers (A Phenomenological Study)

Nasrin Ghanbari^{1*}

1 Master of Clinical Psychology, Kharazmi University

* **Corresponding author:** Master of Clinical Psychology, Kharazmi University

Received: 2021-05-22

Accepted: 2021-07-06

Abstract

The purpose of this study was to investigate the lived experiences of teachers in relation to the challenges of educating homeless children in the classroom. For this purpose, a qualitative approach and narrative research method were used. The study population was all teachers who have experience and experience in teaching children. For this purpose, 15 of these teachers were interviewed using purposive sampling method and the data collection work proceeded to theoretical saturation. Data collection tool Interview without structure and research analysis method, qualitative content analysis method Was. The results of the data indicated 9 themes which are: aggression, unpredictability, lack of concentration, poverty, depression, impatience, loneliness and isolation and disorder. Therefore, the results of the present study indicated that Unaccompanied children have certain behavioral characteristics that should be given special attention in their education.

Keywords: The orphan, The behavior of the homeless student, The lived experiences of the teachers



بررسی چالش‌های آموزش به کودکان بی سرپرست از منظر معلمان (یک مطالعه پدیدارشناسانه)

نسرین قنبری^{۱*}

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه خوارزمی
* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته معلمان در ارتباط با چالش‌های آموزش به کودکان بی‌سرپرست در کلاس درس بود. به این منظور از رویکرد کیفی و روش روایت پژوهی استفاده شد. جامعه مورد مطالعه تمامی معلمانی بودند که تجربه و سابقه تدریس به کودکان بی‌سرپرست را داشتند بدین منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با ۱۵ نفر از این معلمان مصاحبه به عمل آمد و کار گردآوری داده‌ها تا اشیاع نظری پیش رفت. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بدون ساختار و روش تحلیل پژوهش، روش تحلیل محتوای کیفی بود. نتایج حاصل از داده‌ها حاکی از ۹ درون‌مایه بود که عبارتند از: پرخاشگری، پندپذیری، عدم تمرکز، فقر، افسردگی، کم‌صبری و بی‌طاقتی، تنهایی و انزوا و بی‌نظمی. بنابراین نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که کودکان بی‌سرپرست دارای ویژگی‌های رفتاری خاصی هستند که می‌بایست در آموزش آنها توجه ویژه‌ای به این رفتارها شود.

واژگان کلیدی: کودک بی‌سرپرست، رفتار دانش‌آموز بی‌خانمان، تجارب زیسته معلمان.

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی محفوظ است.

مقدمه

دوران کودکی به خاطر نقش و اهمیتی که در زندگی انسان دارد، در هر زمان مورد توجه دانشمندان، روانشناسان و نویسندگان آن عصر بوده است. روان‌شناسان مختلف این دوران را احساس گرای، عاطفه پرستی، دوره بحران‌های سازنده و دوره فشار و طوفان نامیده اند [۱]. همه این اشارات و توجهات نشان دهنده اهمیتی است که این دوره از زندگی می‌تواند داشته باشد. همه این ویژگی‌ها باعث می‌شود که التهابات، اضطراب‌ها و دگرگونی‌ها در نوجوان و کودک به وجود آید و جلوه‌های غیر معمول و به ظاهر غیر عادی در او ظاهر شود. طبیعی است که پدیدار شدن این حالت‌ها در کودک و

نوجوان، رفتارهای ویژه‌ای را از سوی والدین و مربیان می‌طلبد. لذا در این بین غیر طبیعی نیست که به علت مشکلات فوق‌الذکر بنیاد و بنیان خانواده‌ها سست شده و محصولات ناخوشایندی چون خانه‌های کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست پدید خواهد آمد. تعریف واحدی از کودک و نوجوان بی‌سرپرست و بدسرپرست وجود ندارد [۲]. تعریف این پدیده پیچیدگی‌های خاص خود را دارد [۳]. اما همانطور که بارت^۱ و همکاران (۲۰۱۱) نیز اشاره کرده‌اند، تعریف کودک بی‌سرپرست یا بدسرپرست به چند دلیل حائز اهمیت است: بر اساس دیدگاهی موسوم به اقدام عاجل، ارائه تعریفی معین از کودک بی‌سرپرست مشخص می‌کند که کدام کودکان و با چه ویژگی‌های مجاز به دریافت کمک

خانمان را متوقف کند. مطالعاتی که پیرامون افراد بی‌سرپرست و بی‌خانمان انجام شده است حاکی از آنست که: ۱- بیشتر این افراد را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند ۲- تعداد افراد اقلیت‌های قومی و نژادی در بین این افراد بیشتر است ۳- خانواده‌های که دارای کودک هستند بیش از ۳۵ درصد از جمعیت بی‌خانمان و بی‌سرپرست را تشکیل می‌دهند ۴- کودکان کار ۳۰ درصد از جمعیت فوق را تشکیل می‌دهند ۵- بی‌خانمانی و بی‌سرپرستی در حال تبدیل شدن به پدیده‌ای مضمّن است که این مساله حاکی از ناکافی بودن راه‌حل‌های موجود در مقابله با این پدیده است [۱۰]. با یک بررسی انتقادی از ویژگی‌ها و جمعیت افراد بی‌سرپرست و بی‌خانمان می‌توان دریافت که اکثریت آنها در جامعه به حاشیه رانده شده‌اند و فقدان قدرت لازم برای تغییر ساختارهای اجتماعی منجر به دائمی شدن وضعیت آنها شده است. از سال ۱۹۸۰ جمعیت افراد بی‌سرپرست و بی‌خانمان به طرز شگفت‌انگیزی افزایش پیدا کرده است [۱۱]. نابرابری‌های اجتماعی عاملی مهم در ایجاد پدیده بی‌سرپرستی و بی‌خانمانی است. هنگامی که نابرابری اجتماعی تشدید شود تعداد افراد بزرگسال، نوجوان و کودکی که باید بدون سرپرست خود و در خیابان‌ها زندگی کنند نیز افزایش می‌یابد [۱۲].

در ایالات متحده آمریکا کودکان و نوجوانان بخش اعظمی از جمعیت بی‌خانمان و بی‌سرپرست را تشکیل می‌دهند به طوری که نزدیک به ۱۲/۳ میلیون کودک در فقر زندگی می‌کنند [۱۳]. قبلاً جمعیت بی‌خانمان و افراد بی‌سرپرست را بیشتر پیرمردهای مجرد تشکیل می‌دادند [۱۴]. اما اکنون افراد قومیت‌های مختلف، زنان، نوجوانان و جمعیت قابل توجهی از کودکان نیز درگیر این پدیده شده‌اند [۱۵].

ذکر این نکته ضروری است که طی سال‌های اخیر ماهیت و ظاهر بی‌سرپرستی و بی‌خانمانی تغییر پیدا کرده است. در دو دهه گذشته بیشتر مردان و پسران گرفتار بی‌سرپرستی و بی‌خانمانی می‌شدند اما امروزه زنان، دختران و کودکان نیز گرفتار این پدیده شوم شده‌اند به طوری که نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت افراد بی‌خانمان و بی‌سرپرست را این افراد تشکیل می‌دهند [۱۶].

اکثر مورخان و تاریخ‌دانان بر این باورند که ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد بی‌سرپرست و بی‌خانمان از دهه ۱۹۸۰ دچار تغییر و تحول شده است به طوری که جمعیت این گروه از افراد طی ۱۰ سال از ۲۵۰ هزار نفر به ۳ میلیون نفر رسیده است [۱۷]. در سال ۱۹۹۵ وزارت آموزش و پرورش آمریکا تخمین زد که در این کشور بیش از ۴۷۰ هزار کودک و نوجوان بد سرپرست و بی‌سرپرست وجود دارد. برخی از جامعه‌شناسان نیز معتقدند که در کشور آمریکا به طور متوسط بیش از ۱ میلیون نفر به صورت شبانه در خیابان‌ها سپری می‌کنند که از این تعداد نزدیک به

و خدمات در این زمینه هستند. از دیدگاه تحقیقاتی نیز ارائه تعریف از این نوع کودکان مشخص می‌کند کدام کودکان را باید جز این دسته محسوب و در مورد آنها پژوهش کرد. از دیدگاه سیاست‌گذاری نیز، تعریف معین از این کودکان منجر به آن می‌شود که دقیقاً فرد برنامه‌ریز بداند برای چه کسی برنامه‌ریزی کند و مناسب‌ترین برنامه‌ها را متناسب با نیاز آنها طراحی کند. افراد به دلایل مختلفی بی‌سرپرست و بی‌خانمان می‌شوند. نزدیک به ۵۷ درصد از اعضای یک خانواده بعد از بد رفتاری‌ها و سو استفاده‌هایی که در خانه از آنها می‌شود به بی‌خانمانی روی می‌آورند [۴]. برخی از اعضای خانواده نیز به دلیل اینکه یکی از والدین شغل خود را از دست می‌دهد یا بنا به بلایای طبیعی نظیر سیل و زلزله خانه آنها ویران می‌شوند و نمی‌توانند هزینه‌های خانواده را بپردازد گرفتار بی‌خانمانی و بی‌سرپرستی می‌شوند. بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی می‌تواند چند روز یا یک عمر به درازا بکشد. برخی از کودکان در بدو تولد بی‌خانمانی و بی‌سرپرستی را تجربه می‌کنند در حالی که برخی دیگر در دوران مدرسه این پدیده را تجربه می‌کنند. هرچند که بی‌خانمانی و بی‌سرپرستی در برخی از اقلیت‌های قومی و طبقات محروم بیشتر است اما این پدیده مختص طبقه یا قشر خاصی نیست و تمامی طبقات اقتصادی-فرهنگی، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و نژادها را تحت تاثیر قرار می‌دهد اما نکته واضح آن است که بی‌سرپرستی و بی‌خانمانی ارتباط روشنی با فقر دارد [۵]. پدیده بی‌خانمانی و بی‌سرپرستی نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در مناطق مجاور شهری و روستایی نیز رخ می‌دهد [۶]. بی‌خانمانی و بی‌سرپرستی پدیده‌ای تراژیک و رو به رشد در سراسر دنیاست و در واقع مشکل و چالشی اجتماعی است که در حال از بین بردن خانواده‌ها به خصوص کودکان و نوجوانان است.

از زمانی که پناهگاه‌ها در سراسر دنیا پا به عرصه وجود گذاشته‌اند افرادی بی‌خانمان و بی‌سرپرست نیز رشد کرده‌اند [۷]. ذکر این نکته ضروری است که نخستین جمعیت بی‌خانمان بزرگ در آمریکا طی جنگ داخلی شکل گرفت [۸]. بعد از جنگ داخلی، تعداد مشاغل کاهش یافت و مردم مجبور به ترک خانه‌های خود برای یافتن کار شدند که این مساله نیز منجر به افزایش افراد بی‌خانمان و بی‌سرپرست گردید. رکود اقتصادی سال ۱۹۲۹ نیز منجر به افزایش این گروه از افراد شد. اخیراً افزایش هزینه‌های مرتبط با زندگی و دستمزدهای اندک زمینه را برای افزایش افراد بی‌سرپرست و بی‌خانمان در سراسر دنیا فراهم نموده است. از دهه ۱۹۸۰ به بعد پدیده بی‌خانمانی در نتیجه انتقال از یک اقتصاد صنعتی-سرمایه‌داری به سمت سرمایه‌داری فراصنعتی شناخته شده است [۹]. حتی افزایش بودجه‌های مرتبط با خدمت‌رسانی به افراد بی‌سرپرست نیز نتوانسته است رشد افراد بی-

های پژوهش حاضر ۱۵ نفر بود. در پژوهش حاضر تعیین تعداد نمونه‌ها بر اساس اشباع اطلاعاتی محقق صورت گرفت؛ یعنی تعداد مصاحبه‌ها تا آنجا پیش رفت که اطلاعات محقق در زمینه پژوهش اشباع شد و دیدگاه‌ها و نظریه‌های جدیدتری توسط گروه نمونه مطرح نشد و بعد از آن اطلاعات دیگری بر آن افزوده نشد. در بحث سنجش اعتبار پژوهش، سوالات مصاحبه بعد از اینکه طراحی شد توسط ۵ تن از اساتید متخصص در حوزه مربوطه اصلاح و تایید گردید. برای ثبت مصاحبه‌ها، همه‌ی مکالمات انجام شده به صورت صوتی ضبط گردید. سپس مصاحبه‌های ضبط شده توسط خود پژوهشگر به دقت گوش داده شد و کلمه به کلمه نوشته شد. بعد از اینکه مصاحبه ضبط شده بصورت مکتوب درآمد برای تایید روایی مصاحبه‌ها از روش "چک اعضا" استفاده شد. بدین ترتیب که متن مکتوب مصاحبه دوباره برای شرکت کنندگان فرستاده شد تا صحت و سقم مطالب تایید و در صورت لزوم مطالب اصلاح گردد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع متعارف استفاده شد. در این روش، محقق از محتوای عینی فرا رفته و به سوی دریافت معانی از متون، الگوها و مضامین پیدا و پنهان می‌پردازد. تحلیل محتوای متعارف معمولاً در طرح مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. در این روش محقق بر اساس درک خود از متن مورد مطالعه اقدام به نوشتن تحلیل اولیه می‌کند و این کار را ادامه می‌دهد تا پیش زمینه‌هایی برای تشکیل کدها آغاز شود. پس از مرحله طبقه‌بندی نوبت به مرحله پایانی یعنی استنتاج درون مایه می‌رسد، در این مرحله از دل طبقات محتوای پنهان، داده‌ها شناسایی و استخراج می‌شود. اطلاعات مرتبط با مصاحبه شوندگان در جدول زیر آمده است:

۲۵۰ هزار نفر کودکانی هستند که در سن پیش دبستانی قرار دارند [۱۸]. تصویر بی‌خانمانی به مرور با گذشت زمان تغییر پیدا کرد و افراد ولگرد و کسانی که اوقات خود را در مترو و قطار می‌گذرانند نیز به آنها اضافه شد. جانسون و کان^۲ (۲۰۱۵) جمعیت جدید بی‌خانمان و بی‌سرپرست را به عنوان جمعیتی که از لحاظ ظاهری شباهت بسیاری به یکدیگر دارند توصیف می‌کنند. این پژوهشگران از جمله ویژگی ظاهری همگی آنها مشکلات ذهنی، سو مصرف مواد مخدر، تجربه یک بحران یا خشونت در خانواده، بیکاری، فقر، ازدواج والدین در کودکی، دو والدی، کودک کار بودن، فراری بودن و جرم و جنایت معرفی می‌کنند [۱۹]. در هر صورت پدیده بی‌خانمانی به پدیده رایجی در بسیاری از جوامع مبدل شده است که این موضوع آموزش کودکان بی‌خانمان و بی‌سرپرست را تحت تاثیر قرار داده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال این پرسش اساسی است که تجربیات معلمان در رابطه با آموزش کودکان بی‌سرپرست و بی‌خانمان در کلاس درس چیست؟

روش

این پژوهش از نوع کیفی و روش آن پژوهش روایی است. پژوهش روایی مطالعه چگونگی تجربیات متفاوت انسان‌ها از جهان پیرامونشان است. این روش پژوهشگر را قادر به درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های مسایل و آرایه راه‌حل‌های اثربخش‌تر می‌سازد. پژوهشگران روایی به مردم اجازه می‌دهند تا داستان‌هایی از زیست روایی خود تعریف کنند. پس این داستان‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و روایت‌های مربوط به تجربه آنها را می‌نویسند. تحلیل روایی به ما این امکان را می‌دهد که بازنمودهای زندگی اجتماعی را در روایت‌ها و حکایت‌ها شناسایی کنیم و بخشی از واقعیت‌های جهان را که از طریق روش کمی مقدور نیست مورد بررسی و شناسایی قرار دهیم. تعداد نمونه

سن	سابقه کار	جنسیت	تحصیلات	شغل	کد
۴۱	۱۲	زن	کارشناس ارشد	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۱
۵۱	۱۸	زن	کارشناسی	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۲
۳۵	۹	مرد	کارشناسی	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۳
۵۵	۲۳	مرد	کارشناسی ارشد	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۴
۳۷	۱۱	مرد	کارشناسی ارشد	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۵
۴۰	۱۷	زن	کارشناسی	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۶
۳۵	۸	مرد	دانشجو دکتری	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۷
۴۸	۲۲	مرد	کارشناسی	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۸
۴۱	۱۶	زن	کارشناسی ارشد	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۹
۳۱	۵	مرد	کارشناس ارشد	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۱۰
۳۷	۱۱	مرد	کارشناسی	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۱۱
۳۳	۸	زن	کارشناسی	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۱۲
۴۱	۱۸	زن	دانشجو دکتری	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۱۳
۴۶	۲۱	زن	کارشناسی	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۱۴
۳۵	۱۰	مرد	کارشناسی ارشد	معلم ابتدایی	مصاحبه شونده کد ۱۵

عبارتند از: پرخاشگر، پندنیذیر، فقر، افسردگی، پرتحرکی، کم صبری و بی طاقتی، تنهایی و انزوا و بی نظمی. در جدول زیر هر یک از درون مایه‌های فوق باضافه کدها و طبقات استخراج شده ارائه گردیده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در پاسخ به پرسش پژوهش، تجربیات معلمان در رابطه با دانش آموزان بی‌سرپرست در کلاس درس چیست؟ داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که پس از آن، ۹ درون‌مایه به دست آمد که

جدول ۲- نمونه ای از کدها و طبقات استخراج شده از مصاحبه‌ها

طبقه	کدها	واحد‌های معنایی
پرخاشگر	محکم ضربه زدن به پایه میز تخلیه عصبی خود	مدام در حالت عصبی پاهایش را به پایه میز می‌کوبید تا عصبانیتش را خالی کند
	بی دلیل چشم غره رفتن به دوستان	مدام با چشمانش و نحوه نگاهش به دوستانش خشمش را نشان می‌داد
	درگیری و زدو خورد، ابراز الفاظ رکیک به دوستان	مرتب با دوستانش درگیر بود، زد و خرد داشت و با الفاظ زشت آنها را مورد لطف قرار می‌داد
	پاسخگویی به دوستان با خشم	جواب سوالات آرام دوستانش را با خشم و صدای بلند می‌داد
	بی محابا و بی فکر بودن خشونت به خود	دوستانش را با ضربات محکم می‌زد و از عواقب کار خود مطلع نبود نسبت به خودش هم خشونت داره بعضی وقتا با کتاب توی سر خودش می‌زد
پند نیذیر	عهد شکنی و زیر قول زدن	بعد از تذکر معاون به او چشم می‌گفت اما بعد از چند ثانیه کار خودش را می‌کرد
	مقاوم و لجباز بودن	در مقابل نصایح دوستانش و والدین لجبازی می‌کرد و کارش را بدتر ادامه می‌داد
	لجبازی کردن با معلمان	کلا دنبال خراب کردنه، همکاری بنده خدا اعصاب نداشتن دیگه، صدای همه رو درمیاره
عدم تمرکز	ساز مخالف زدن	کلا واسش مهم نبود بقیه چی می‌گن و هرچه خودش دوست داشت انجام میداد
	پاسخگو نبودن به سوالات معلم در بزنگاه‌ها	هر موقع به صورت بزنگاهی از موضوع بحثی که در کلاس پیش اومده بود از او سوال می‌شد، بخاطر نمی‌آورد
	پرداختن به حواشی کلاس حین تدریس	سر کلاس و حین تدریس مدام با وسایلی سرگرم بود و بازی می‌کرد
	پرداختن به حواشی کلاس حین تدریس	تا سرم رو برمی‌گردوندم مشغول کار دیگری در کلاس درس می‌شد

طبقه	کدها	واحد‌های معنایی
	با خیره شدن به چشماش توجهش رو به درس جلب می‌کردم	حین تدریس مرتب باید به چشماش خیره می‌شدم
فقر	قرض گرفتن وسایل از دوستان	مدام از دوستانش وسایل نوشتاری قرض می‌گرفت
	فقدان پوشاک مناسب	اکثرا لباس‌های مناسب مدرسه به تن نداشت
	تغذیه مناسب	کمتر می‌دیدم توی مدرسه از بوفه مدرسه چیزی بخوره
افسردگی	تکان دادن بیش از حد دست و پا	دائم مشغول حرکت دادن دست و پاش بود اصلا انگار آرام و قرار نداشت
	غمگین بودن	همیشه تو خودش هست
	گریه مداوم	بعضی وقتا میدیدم یه گوشه مدرسه نشسته و گریه میکنه
	گریز از جمع	علاقه ای به بازی‌های شاد و دسته جمعی نداشت
	فقدان انرژی	توی بازهای شادی که بچه‌های دارن خیلی شرکت نمی‌کنه
کم صبری و بی‌طاقتی	پرسیدن در سوال معلم	هنوز سوال من تموم نشده بود شروع میکرد جواب دادن
	رعایت نکردن نوبت	اصلا چیزی به نام صف و نوبت و اسش معنا نداشت همیشه بدون نوبت کاراش انجام میداد
	اصرار مداوم و صبور نبودن	هر موقع می‌خواست سرویس بهداشتی بره مرتب و بی‌وقفه منو صدا می‌زد و اجازه می‌خواست
تنهایی و انزوا	طرد شدن	همیشه تنها بود چون یا بچه‌ها رو هل میداد یا کتکشون میداد
	رعایت نکردن قوانین	هر بازی که میشد قوانین بازی رو رعایت نمیکرد و بچه‌ها از بازی اخراجش میکردن و میرفت یه گوشه
	از این شاخه به اون شاخه پرسیدن	هر زمان فعالیت گروهی بود از این شاخه به اون شاخه می‌پرید بخاطر همین هیچکس هم گروهیش نمی‌شد
بی‌نظمی	شلختگی	وسایلش و دفتر و کتاب و مدادش همیشه کف کلاس ریخته بود
	آشفتگی	همیشه بند کفشش و دکمه پیراهنش باز بود و من باید می‌بستم
	نامرتب بودن	بخاطر ورج و ورجه زیاد همیشه ظاهرش داغون بود و نامرتب

یکسال تمام هرچه توی گوش این بچه خوندم که فلان کار رو نکن، فلان چیز رو انجام نده تو کتتش نرفت که نرفت.

مشارکت کننده ۱۱ نیز در همین ارتباط روایت می‌کند که:

انگار این بچه از فضا اومده، هرچی بهش میگی دقیقا مخالفشو انجام میده، گوشش بدهکار هیچ حرفی نیست.

فقر: کودکان بی‌سرپرست به دلیل شرایط خانوادگی خود درگیر فقر مزمن هستند. مشارکت کننده شماره ۱ در این ارتباط روایت می‌کند که:

این بچه‌ها اکثر اوقات بعد مدرسه سرکار میرن بلکه بتونن خرج معیشت خودشون را دربیارن.

افسردگی: افسردگی از جمله ویژگی‌های کودکان بی‌سرپرست است. مشارکت کننده شماره ۱۴ در اینباره روایت می‌کند که:

توی این چندسالی که با این بچه‌ها سروکار داشتم متوجه یه چیزی شدم، همیشه انگار درگیر یه غم و غصه‌ای هستن.

کم صبری و بی‌طاقت: صبر نداشتن و کم حوصلگی از جمله دیگر ویژگی‌های رفتاری کودکان بی‌سرپرست است که در

در ادامه نمونه‌ای از روایت‌های مربوط به مصاحبه شونده‌ها از هریک از طبقات ارائه شده است:

پرخاشگری: پرخاشگری یکی از ویژگی‌های رفتاری دانش‌آموزان بی‌سرپرست که به راحتی آنها را از سایر دانش‌آموزان متمایز می‌کند و بسیاری از مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر به آن اشاره کرده بودند. به طور مثال مصاحبه شونده شماره ۹ در همین ارتباط روایت می‌کند که:

دانش‌آموزانی که بی‌سرپرست هستن دائم با یک نفر گلاویز هستن، انگار همیشه دعوا دارن حتی اگر شخصی هم نباشه باهاش دعوا کنن با اشیا درگیر می‌شن.

مصاحبه شونده شماره ۳ نیز در همین راستا روایت می‌کند که:

علی همیشه سر ناسازگاری داری، نصف زمان کلاس رو من باید صرف این کنم که اونو از دعوا با دوستاش برحذر کنم.

پندپذیری: کودکان بی‌سرپرست به حرف دیگران ندارند و معمولاً نصیحت‌پذیر نیستند. در این ارتباط مشارکت کننده شماره ۵ روایت می‌کند که:

تحقیق حاضر به وفور به آن اشاره شده است. مشارکت کننده شماره ۱۵ در این ارتباط روایت می کند که:

نشد یکبار صف یا نوبت واسه چیزی تشکیل بشه و این بچه رعایت کنه، اصلا چیزی به نام نوبت و صف واسش معنایی نداره.

مشارکت کننده شماره ۴ در این ارتباط روایت می کند:

هر زمان میخوام سوالی بپرسم و به بچه ها میگم نوبت بگیرن، مهدی اصلا واسش مهم نیست نوبت گرفتن چیه و یکسره وسط حرف دیگران می پره.

تنهایی و انزوا: کودکان بی سرپرست به دلیل رفتارهایی که از خود بروز می دهند اغلب تنها و منزوی هستند. مشارکت کننده شماره ۶ در این ارتباط روایت می کند که:

این بچه ها نه قوانین بازی رو رعایت می کنن نه مشارکت گروهی رو و بخاطر همین همیشه بقیه از شون شاکی هستن و مجبور میشن تنها باشن.

مشارکت کننده شماره ۸ در اینباره روایت می کند که:

متوجه شدم جواد همیشه تنهاست زمانی علتش رو پیگیر شدم فهمید که سرپرست نداره و بخاطر همین بقیه بچه ها خیلی دور و برش نمی چرخن.

بی نظمی: کودکان بی سرپرست در امورات مختلف خود بی نظم و آشفته هستند. مشارکت کننده شماره ۱۰ در اینباره روایت می کند که:

این بچه نظم چندان نداره، هر یک از وسایلیش به گوشه میز یا کلاس میندازه و باید بارها بهشو تذکر بدم.

مشارکت کننده شماره ۱۳ در اینباره روایت می کند که:

هر زمانی یکی دو تا از این بچه ها توی کلاس بود تا آخر سال عذاب کشیدم چون تمام نظم کلاس رو به هم میزنن.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته معلمان در ارتباط با کودکان بی سرپرست در کلاس درس بود. نتایج پژوهش حاضر حاکی از ۹ درون مایه بود که عبارتند از: پرخاشگر، پندپذیر، افسردگی، فقر، پرتحرکی، کم صبری و بی طاقتی، تنهایی و انزوا و بی نظمی. چنانچه از نتایج پژوهش حاضر مشخص است دانش آموزان بی سرپرست به دلیل شرایط خاصی که در آن قرار دارند با سایر دانش آموزان تفاوت زیادی در رفتارهای خود دارند، عدم توجه کافی به این تفاوتها، پیامدهای وخیمی را برای آموزش و پرورش، خانوادهها و کودک بی سرپرست به بار می آورد. مسائلی چون ترک تحصیل، فرار از مدرسه، تکرار پایه تحصیلی و ریزش تحصیلی در کودکان بی سرپرست را می توان نتیجه عدم توجه به همین تفاوت تفاوتهای رفتاری دانست. در راستای نتایج پژوهش حاضر نایر (۲۰۱۶) بی سرپرستی را با مسائلی چون فقر و کودک کار بودن همراه می داند.

دیوید^۴ (۲۰۱۵) نیز در همین رابطه از مشکلات زیاد کودکان بی سرپرست در زمینههای مختلف آموزشی از جمله عملکرد ضعیف تحصیلی، تکرار پایه، ترک مدرسه، روابط خانوادگی و دوستانه ضعیف، اضطراب، افسردگی، تخلف، سوء مصرف مواد مخدر در سنین پایین و قانون شکنی زیاد یاد می کند. فیتز گرالده^۵ (۲۰۰۷) مواردی چون بی توجهی، اشتباه مکرر در انجام تکالیف، حواس پرتی، گوش ندادن به خواستههای معلم، پریدن وسط حرف دیگران، اشکال در انجام تکالیف، نظم بندی تکالیف، بی علاقهگی به درس و تکلیف، گم کردن اشیا مدرسه مانند کتاب و مداد و سریع حواس پرت شدن با محرک بیرونی را مشکلات کودکان بی سرپرست در مدرسه برمی شمارد. سادینو نیز^۶ (۲۰۰۷) بی سرپرستی را با افت تحصیلی برای کودکان همراه می داند. در هر صورت چیزی که واضح و پر روشن است این مساله است که تفاوت رفتاری این کودکان با سایر کودکان باید شناسایی و مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. همان طوری که گفته شد، مشخصه اصلی این کودکان، شیطنت و خشونت و پرخاشگری زیاد است و به دلیل عجز بودن قادر به اتمام کامل کارها نیستند و چنان چه کسی درخواستی از او داشته باشد نمی تواند آن را درست اجرا کند، بنابراین تکالیف چندگانه نباید به آنها ارائه شود. گفته شد که این کودکان در مدرسه به درس بی توجه و فراموشکار هستند و وسایل خود را در مکان های مختلف جا می گذارند بنابراین برای این موضوع نیز باید اقدامی صحیح انجام شود تا ضمن کاهش این رفتار زمینه منظم شدن چنین کودکانی فراهم شود. این کودکان به سختی به درس و معلم گوش می دهند که روند یادگیری را دچار چالش می کند بنابراین نیاز است معلم با شناخت بهتر این قبیل مشکلات، سعی کند که او را کنترل نماید زیرا آنان علاوه بر مشکل کمبود توجه و تمرکز، انرژی زیاد درونی دارند که قرار و آرامش را از آنان می گیرد و تمایل دارند مدام فعالیت کنند. همان طور که ذکر شد کودکان بی سرپرست قادر به حضور در بازی های گروهی و تعامل درست با هم کلاسی های خود نیستند و از محبوبیت کمی بین هم سن و سالان برخوردارند که نشأت گرفته از رفتارهایی مانند عدم رعایت نوبت در انجام بازی ها، انجام فعالیت ها بدون تفکر قبلی و حرکات ناگهانی مانند خنده یا گریه ناگهانی است، معلم و عوامل مدرسه باید این مساله نیز مد نظر قرار داده و زمینه شرکت این دانش آموزان در کارهای گروهی به صورت منظم را فراهم کنند. بنابراین می توان گفت تفاوت های رفتاری دانش آموزان بی سرپرست در مدرسه و کلاس درس امری طبیعی است و نکته مهم در اینجا اقدام صحیح و به موقع معلم و عوامل مدرسه برای کنترل و اصلاح برخی از این رفتارهاست.

- [9]Ziesmer C, Marcoux L, Marwell BE. Homeless children: Are they different from other low-income children? *Social Work*, 2017; 39(6): 658-668.
- [10]Zima BT, Bussing R, Forness SR, Benjamin B. Sheltered homeless children: Their eligibility and unmet need for special education evaluations. *American Journal of Public Health*, 2013; 87: 236-240.
- [11]Gargiulo R, Kilgo J. *Young children with special needs* (2nd ed.), Clifton Park, NY: Delmar. 2015.
- [12]Gonzalez M. School + Home = A Program for Educating Homeless Students. *Phi Delta Kappan*, 2014; 71(10): 785-787.
- [13]Good HG, Teller JD. *A history of American education* (3rd ed.). New York: Mac Millian. 2005.
- [14]Gracenin D. Reaching and teaching the homeless. *The Education Digest*, 2010; 37-39.
- [15]Hallett JC. Facilitating Risk Reduction among Homeless and Street-Involved Youth. *Journal of the American Academy of Nurse Practitioners*, 2017;20(11): 567-575.
- [16]Hartman D. Where the Homeless Children and Youth Come From: A Study of the Residential Origins of the Homeless in Miami-Dade County, Florida. *Children and Youth Services Review*, 2000;30(9): 1009-1021.
- [17]Heybach L, Platt S. Enforcing the educational rights of homeless children and youth: Focus on Chicago. *National Clearinghouse for Legal Services*. 2011.
- [18]Hoch C. A brief history of the homeless problem in the United States. In R. D. 1987.
- [19]Bingham RE, Green SB. White (Eds.), *The homeless contemporary society* (pp. 16-32). London: Sage P Curtis, L. 17 Dec. (2016). Homeless students challenge schools: They bring with them a host of issues associated with their homelessness. *Las Vegas Review Journal*. 2016.
- [20]Dail PW. Introduction to the symposium on homelessness. *Policy Studies*, 2012; 28: 331-337.

واژه نامه

- | | |
|----------------------|--------------|
| 1. Burt | بارت |
| 2. Johnson and Cnaan | جانسون و کان |
| 3. Nair | نایر |
| 4. David | دیوید |
| 5. FitzGrald | فیتز گرالد |

فهرست منابع

- [1] Mohseni Tabrizi A. A Survey of the Situation of Orphaned Children in Iran, *Social Security Quarterly*, 2011; (9):526-548. [Persian]
- [2] Adams M. Psychology of a child deprived of a father, translated by Khosrow Bagheri and Mohammad Attaran, second edition, Manadi Tarbiat Institute Publications. 2000. [Persian]
- [3] Ahmadi M. Evaluation of the effectiveness of problem solving trainings on some personality traits of adolescents covered by boarding centers in Tehran province, Master's thesis. Allameh Tabatabai University. 2001.[Persian]
- [4]Nunez R, Collignon K. Creating a community of learning for homeless children. *Educational Leadership*, 2012; 55(2), 56-60.
- [5]Neiman L. 2014. A critical review of resiliency literature and its relevance to homeless children. *Children's Environments Quarterly*, 5(1), 1-25.
- [6]Korinek L, Walther-Thomas C, Laycock V. Educating special needs homeless children and youth. In J. H. Stronge (Ed.), *Educating Homeless Children and Adolescents: Evaluating Policy and Practice*. 2010; 133-152.
- [7]Yates GL, Mackenzie R, Pennbridge J, Cohen E. A Risk Profile Comparison of Runaway and Non-Runaway Youth. *American Journal of Public Health*, 2010; 78(7): 820-821.
- [8]Yon MG, Mickelson RA, Carlton-LaNey I. A Child's Place: Developing interagency collaboration on behalf of homeless children. *Education and Urban Society*, 2010; 25(4):410-423